

## افرادی که دوباره برگشت داده شدند

عودت و ادغام مجدد پناجویان رد شده مورد توجه بسیاری از پالیسی سازان در سراسر اروپا قرار گرفته است، زیرا تعداد کمی از آنها در واقع عودت می کنند. درباره شرایط و حالات مختلف که قرار است زمینه عودت و ادغام مجدد پایدار را فراهم کند، مطالب زیادی نوشته شده است. با این حال، تعداد کمی با استفاده از تجربیات و دیدگاه های کسانی این کار را انجام داده اند که پروسه پناهندگی و عودت را پشت سر گذاشته اند و اکنون در تلاش اند تا در کشوری که آن را ترک کرده اند دوباره ادغام شوند، در این تحقیق که ( کسانی که دوباره برگشت داده شده اند: عودت و ادغام مجدد پناجویان رد شده به افغانستان و عراق) نامیده می شود و توسط AMIF تمویل مالی می گردد، Constanza Vera-Larrucea، Henrik Malm Lindberg و Andr é Asplund از داستان های عودت کنندگان استفاده نموده اند تا آن جنبه های مختلف تجربه های مهاجرت و پروسه پناهندگی را بررسی نمایند که ممکن است روی ادغام مجدد پس از عودت تأثیر بگذارد.

این پیمان همچنان ادغام مجدد پایدار را برجسته ساخته و استراتژی های مختلف را برای حمایت از عودت کنندگان در راستا استقرار مجدد آنها پیشنهاد می کند .

برای ترویج عودت، به ویژه عودت داوطلبانه، در میان افرادی که اجازه اقامت ندارند، مقدار قابل توجهی از منابع به انواع مختلف حمایت و مساعدت (نقدی و غیر نقدی) درخصوص عودت و ادغام مجدد اختصاص داده شده است. این امر به عنوان انگیزه ای برای بازگشت داوطلبانه ارائه می شود، زیرا بازگشت داوطلبانه دارای مصرف کم بوده و انسانی تر است.

## افزایش توجه درقبال افرادی که اجازه اقامت ندارند

فقط یک سوم کسانی که مستحق اقامت در اتحادیه اروپا نمی باشند، اروپا را ترک می کنند و از میان افراد ترک کننده هم کمتر از یک سوم آنها این کار را داوطلبانه انجام می دهند. برای بلند بردن تعداد افراد ترک کننده و همچنان تشویق آنها برای ترک گفتن، تلاش زیادی صورت گرفته است. در تازه ترین اقدام می توان این موضوع را در "پیمان جدید پناهندگی و مهاجرت" که توسط کمیسیون اروپایی پیشنهاد شده است، مشاهده کرد.

## زندگی برای کسانی که باید عودت می کردند چگونه است؟

بسیاری از عودت کنندگان در این تحقیق، زندگی قیل از شروع یک سفر دشوار و اغلب خطرناک به سویدن را، به اشکال مختلف آسیب پذیر توصیف کرده اند. به نظر می رسد که افغان ها بیشتر به دلیل سال ها زندگی در فقر و ناامنی و همچنین احساس آزار و اذیت، مجبور به مهاجرت شده اند. برخی از آنها قیل از رفتن به اروپا، برای استفاده از فرصت های مالی در ایران به آن کشور رفته بودند. دیگران اظهار داشتند هر چند آنها دارای تابعیت افغانستان می باشند اما آنها در ایران تولد شده اند و هرگز پا به افغانستان نگذاشته اند. با این حال چنین به نظر می رسد که عراقی ها قیل از مهاجرت، در مقایسه بسیار بزرگتری نسبت به افغان ها به فرصت های شغلی و مالی دسترسی داشته و زندگی نسبتاً مناسبی داشته اند. بعد از برهم خوردن توازن زندگی عراقی ها توسط یک عامل خارجی - یک نزاع قبیله ای یا حمله شبه نظامیان- آنها احساس کردند که راهی جز ترک کشور ندارند.

چنین به نظر می رسد که جنبه های مختلف پناهندگی در سویدن بر آمادگی آنها برای عودت به کشور شان، بعد از رد درخواست پناهندگی آنها، تأثیر داشته است. به نظر می رسد طولانی شدن پروسه پناهندگی، دسترسی و ارتباط کم با ارائه دهندگان خدمات مرتبط با اداره مهاجرت و عدم درک صحیح از پروسه پناهندگی، مانع آماده سازی عودت می شود. به همین ترتیب، به نظر می رسد بسیاری از پاسخ دهندگان آمادگی لازم نداشتند و فاقد یک پلان برای نحوه شروع مجدد زندگی پس از ورود به کشور اصلی بوده اند. پاسخ دهندگان افغان به طور مکرر به مشکلات در مورد اخذ اسناد سفر، احساس بی احترامی و عدم همدلی کارمندان سفارت خود اشاره می کنند، که این موضوع کوچکترین سهولت را برای پروسه عودت ایجاد نکرده بود.

بسیاری افراد توصیف می نمایند که آنها پس از عودت همان تهدید یا وضعیت زشت را تجربه نموده اند که باعث گریه بود آنها در وهله اول کشور شان را ترک بگویند. این مسائل توانایی های آنها در ادغام مجدد را به چالش می کشد -

حتی افرادی که به شکل غیر داوطلبانه برمی گردند نیز باید بعضاً از انواع خاص از مساعدت ها برای ادغام مجدد بهره مند شوند. مقدار زیاد مواد چاپ شده وجود دارد که شرایط مختلف را برای عودت سهولتر و ادغام مجدد موفقیت آمیز، مورد بررسی قرار می دهد. با این حال اطلاعات اندکی در مورد تجربه های فردی بازگشت و همچنین درخواست های شخصی برای ادغام مجدد از دیدگاه خود افراد بازگشت کننده کمتر وجود دارد. در این پژوهش، این نوع تجربه ها در محور اصلی توجه قرار می گیرند. پژوهشگران جنبه های زندگی یک فرد را به عنوان پناهجو، پناهجو بودن در سویدن و پروسه عودت را مورد بررسی قرار می دهند زیرا چنین به نظر می رسد که این موضوعات نتایج پس از عودت آنها را شکل می دهد. زندگی پس از عودت چگونه به نظر می رسد، عودت کنندگان با چه چیزی دست و پنجه نرم می کنند، آیا آنها می توانند از تجربیات و دانش به دست آمده در خارج استفاده کنند و تا چه حد می توانند و از همه انواع مساعدت ها و حمایت ها برای عودت و ادغام مجدد استفاده کنند؟ به طور خلاصه، از تجربیات کسانی که پروسه عودت را پشت سر گذاشته اند و انتظار می رود به طور پایدار دوباره ادغام شوند، چه می توان آموخت؟

## تجارب پناهجویان رد شده

ین گزارش به داستان های شخصی پناهجویان رد شده ای می پردازد که طی سال های گذشته از سویدن به افغانستان یا عراق عودت کرده اند. تجزیه و تحلیل معلومات بر اساس یک چهارچوب تنظیم شده صورت می گیرد. بر مبنای این چهارچوب ادغام مجدد پس از عودت یک پروسه پیچیده است که در سطوح یا ابعاد مختلف، از نظر اقتصادی، اجتماعی و روانی اجتماعی صورت می گیرد. این عناصر شامل دسترسی به منابع و خدمات (جا سازی شده اقتصادی) دسترسی به شبکه های اجتماعی که از طریق آنها می توان معلومات را ارائه کرد و روابط با همسالان را پرورش داد (تعبیه اجتماعی) و همچنین داشتن توانایی برای تصمیم گیری در مورد زندگی فرد، داشتن حس همبستگی و نداشتن ترس از بابت امنیت شخصی (تعبیه روانی اجتماعی). چنین پنداشته می شود که دیدگاه ها و تجارب مختلف از دوران مهاجرت، زمان قیل از مهاجرت، سفر به سویدن، زمان پناهندگی، پروسه عودت و مهاجرت و رسیدن به کشور مبدأ باعث ایجاد سهولت و یا هم مانع (برای دسترسی) به امکانات موجود شده و بر توانایی عودت کننده در امر ادغام مجدد نیز تأثیر میگذارد.

خصوصاً در بخش های اجتماعی و روانی اجتماعی زندگی. وضعیت مالی برای اکثریت مطلق کسانی که عودت کرده اند وخیم است. بیکاری، کمبود امکانات مالی و مبارزه مداوم برای پیشرفت، برای بیشتر افراد یک حقیقت زندگی است. احتمالاً واقعیت ناخوشایند مالی می تواند برای بسیاری افراد با قرنطین ناشی از همه گیری کرونا که در زمان مصاحبه ها در اکثریت جامعه وجود داشت، توجیه شود. شرایط اقتصادی برای بیشتر عودت کنندگان افغان، اگر در مقایسه به زمان که آنها برای بار نخست کشور شان را ترک کردند بدتر نباشد، خوبتر هم نیست. به نظر می رسد که وضعیت اقتصادی حداقل برای مردم عراق نسبت به زمان که آنها کشور شان را ترک کرده بودند، بدتر است. زیرا وضعیت آنها نسبت به افغانستان بهتر بوده است. اما ظاهراً عراقی ها هزینه های بیشتری را برای مهاجرت خود پرداخت اند.

در هر دو مورد، وجود شبکه های اجتماعی نقش مهمی را برای توانایی ادغام مجدد عودت کنندگان دارا می باشند. به نظر می رسد بسیاری از افغان ها فاقد شبکه های اجتماعی، خانواده و بستگان و همچنین واسطه (ارتباطات شخصی) ، هستند که مانع ادغام مجدد اقتصادی می شود و بسیاری را تنها گذاشته و در معرض آسیب پذیری قرار میدهد. در عراق تعداد بیشتر پاسخ دهندگان به نزد آشنایان، خانواده یا دوستان شان یا شبکه های اجتماعی موجود برگشتند. با این حال تعدادی از پاسخ دهندگان عراقی قادر نبودند از این امکانات استفاده کنند، زیرا تهدید برای زندگی آنها به حدی بود که آنها پنهان شدن را ضروری می دانستند.

این گزارش حاکی از آن است که مهارت ها و دانش به دست آمده در سویدن به راحتی در کشور شخص عودت کننده قابل انتقال نبوده و به همین دلیل نمی تواند به یک شکل منطقی در پروسه ادغام مجدد کمک نماید. این دوره زمانی در سویدن، برای اکثر افراد، به عنوان اتلاف وقت بوده و آنها را نسبت به هموطنان شان به عقب می برد. بسیاری از عودت کنندگان وقتی واقعیت هایی که بعد از بازگشت باید آنها را تحمل کنند را با زندگی نمودن در سویدن، مقایسه می کنند، احساس یاس و افسردگی برای شان دست میدهد. خصوصاً این که آنها به دلیل بدست نیاوردن حق پناهندگی، احساس شدید بی عدالتی را نیز دارند.

انواع مختلف کمک ها برای عودت، به ویژه مساعدت استقرار مجدد و مساعدت کوچک پذیرش، (امروزه به صورت نقدی)، تا حدودی

مشکل مالی که اکثر عودت کنندگان هنگام برگشت به آنها روبرو میشوند را رفع می کند. مساعدت مالی استقرار مجدد (تقریباً EUR 3 000 توسط سازمان بین المللی مهاجرت برای عودت داوطلبانه تحویل داده میشود) که اغلب برای امرار معیشت، مصارف مسکن، مواد غذایی و پرداخت قرضه ها استفاده می شود. فقط در موارد معدودی برای فعالیت های درآمدزا به کار برده می شود که ممکن است منجر به خودکفایی شود. این تحقیق نشان می دهد که در پیوند با معلومات مربوط به مساعدت، امکان بهبود وجود دارد. برخی افراد خاطر نشان می کنند که آنها از مقامات سویدنی معلومات بدست نیاورده اند، در حالی که برخی دیگر ادعا می کنند که فقط معلومات جزئی را در مورد نوع مساعدت که می توانند هنگام عودت دریافت کنند، بدست آورده اند. برخی به موانع دریافت مساعدت، از جمله طرز العمل های دشوار، تحقق شرایط دشوار و تأخیرهای طولانی اشاره می کنند. هر سه نوع مساعدت برای عودت، از نظر میزان دسترسی به آن در میان عودت کنندگان، مورد انتقادات زیادی قرار گرفته است. مساعدت ادغام مجدد که توسط شبکه اروپایی عودت و ادغام مجدد (ERRIN) فراهم می شود، یک مساعدت غیر نقدی بوده و برای موارد مانند کمک برای آغاز نمودن یک کسب و کار (الی 2500 یورو) پرداخته می شود. این مساعدت مورد انتقاد زیادی قرار گرفته است به ویژه با توجه به زمان طولانی انتظار برای دریافت آن. از طرف دیگر در مورد کمک نقدی پذیرش (147 دالر امریکایی که به طور نقد در میدان هوایی کابل پرداخت می شود) به ندرت حرف زده می شود، زیرا بدست آوردن آن دشوار است.

از نظر بیشتر پاسخ دهندگان، وضعیت کنونی بسیار ناخوشایند، آسیب پذیر و نسبت به بی ثباتی سیاسی و اقتصادی بسیار حساس است. اینکه آیا می توان در مورد عودت پایدار و ادغام مجدد صحبت کرد یا نه، بستگی دارد به تعریف مفاهیم. اگر پایداری عودت معادل باشد با داشتن ابزاری برای تأمین مالی زندگی شخص، خودکفایی یا عدم آن باشد، در آن صورت تعداد کمی از افراد در پژوهش به عنوان عودت کننده های پایدار شناخته خواهند شد. اگر ابعاد اجتماعی و روانی اجتماعی ادغام یا تعبیه شده نیز در آن گنجانده شود، تعداد کمتر پاسخ دهندگان را می توان به طور ادغام شونده های مجدد پایدار، شناسایی کرد. در حقیقت، آنچه که برای عودت کنندگان در این تحقیق مهمتر به نظر می رسد، احساس امنیت و احساس امنیت شخصی است نسبت به فرصت های مالی. از نظر بسیار افراد، این نکات تعیین کننده است برای برنامه های آنها برای ماندن در کشور خود شان یا مهاجرت مجدد به اروپا.

## توصیه های رویکردی

بخشی از تدابیر مرتبط با پالیسی را می توان به منظور افزایش آمادگی عودت کنندگان پیشنهاد نمود. اولین مجموعه توصیه ها ارتباط می گیرد به پروسه پناهندگی. به عنوان سر آغاز، باید مدت زمان انتظار برای تصمیم گیری در مورد پناهندگی کوتاه تر باشد. علاوه بر آن، نتایج پژوهش ما نشان می دهد که به ارتباطات بهتر میان متقاضیان پناهندگی و اداره مهاجرت ضرورت است. معلومات مربوط به تصمیم پناهندگی، طرز العمل عودت و مساعدت موجود برای عودت، باید به شکل کاملاً قابل فهم و قابل درک برای شخص عودت کننده باشد. دسترسی به اشخاص مسلکی و ترجمان ها و مشاوران حقوقی متخصص قابل اعتماد و همچنان اجتناب از واسطه های غیرضروری، بر کیفیت معلومات دریافت شده توسط پناهجو تأثیر می گذارد.

توصیه دوم به روابط دو جانبه اشاره دارد. پیشنهادی برای همکاری میان دولت ها در هنگام عودت. این می تواند واحدهای مشترک در داخل سفارتخانه ها باشد که وظیفه آنها تسهیل طی مراحل اسناد مورد نیاز برای پناهندگی یا عودت است. چنین واحدهایی همچنین می توانند در مورد حقوق و تعهدات خود و همچنین ساختارهای حمایتی برای ادغام مجدد، معلومات و مشاورت ها را به عودت کنندگان ارائه دهند.

مجموعه سوم توصیه ها در زمان پس از عودت متمرکز شده است. تطبیق میکانیسم های حمایتی درخصوص عودت و ادغام مجدد باید تضمین کند افرادی که واجد شرایط دریافت کمک هزینه برای ادغام مجدد هستند و متقاضی آن می باشند، باید بتوانند پس از برگشت آن را به موقع و به یک شکل آسان دریافت کنند. در عین حال، با توجه به پیش شرط های مختلف برای ادغام مجدد در میان عودت کنندگان، مهم است که این پروگرام ها نیازهای فردی را برآورده کنند و به عنوان یک راه حل "متناسب برای همه یا یکسان" طراحی نشود. علاوه بر این، نیاز به ارزیابی هدفمند و مستقیم ارائه دهندگان خدمات در کشورهایی مانند عراق و افغانستان است که می تواند در امر تطبیق این پروسه کمک کند که کدام ساحات نیاز به اصلاح دارد.

سرانجام، این گزارش توصیه می کند که مقامات مربوطه، سازمان ها و جامعه اکادمیک باید در تعاریف مربوط به زمینه ادغام مجدد، به ویژه "پایداری" تجدید نظر کنند. طوری که آنها پروسه واقعی و نیازمندی های واقعی افرادی را که در معرض عودت و ادغام مجدد قرار دارند، به وجه احسن انعکاس دهد.



Constanza Vera-Larrucea, Henrik Malm Lindberg and André Asplund

آنچه افرادی که دوباره برگشت داده شدند

خلاصه یا گزارش پالیسی دلمی 2021:10 (Delmi)

مطابق به امور تطبیقی Delmi، نویسندگان این گزارش درقبال محتویات، نتیجه گیری ها و توصیه های انجام شده کاملاً مسنولیت دارند.



SWEDISH GOVERNMENT  
INQUIRIES

The Migration  
Studies Delegation  
Ju 2013:17